

سماحت و سهولت در شریعت اسلام

عبدالکریم عبداللہی نژاد

دانشکدهٔ الهیات، دانشگاه فردوسی

چکیده

این مقاله مشتمل بر مقدمه‌ای است در بیان برخی از آیات و روایات رسیده از طریق شیعه و سنّی در اثبات سماحت و سهولت در شریعت اسلام و سپس یادآوری مواردی از ابواب فقهی در همین زمینه از قبیل: باب طهارت، تیمّم با نماز (مانند: عدم وجوب قیام در برخی از حالات، جواز جمع میان دو نماز در سَفَر و حَضَر، قصر نماز مسافر، قصر نماز خوف)؛ روزه (مانند: سقوط روزه در سفر و حال بیماری، و عدم وجوب آن بر سالمندان، ذُو الْعُطَّاشِ و...).

یکی از ویژگیهای شریعت اسلام، سماحت، آسان‌گیری و تخفیف وظایف مسلمانان و نفی سخت‌گیری و مشقّت است؛ به گونه‌ای که روح غالب در تعالیم عالی‌ه‌ی دین مبین اسلام همان سهولت، مدارا و نرمی است مگر در مواردی که معنویت فرد یا جامعه به خطر افتد، ایمان، اخلاق و مصلحت آنان مورد تهدید قرار گیرد.

پس از بیان مواردی از ابواب فقهی (طهارت، نماز و روزه) در جهت اثبات ادّعای فوق‌الذکر، شایسته است به مفاد برخی از «آیات» و «روایات» که از منابع اساسی و مهم فقه و تعالیم عالی‌ه اسلام می‌باشد در باره «سماحت و سهولت در شریعت اسلام» به شرح زیر توجّه شود:

الف: آیات

۱- «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَايَكُمُ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۱)

(ایام روزه) ماه رمضان است که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و جداسازی حق از باطل در آن ماه نازل شده، پس هرکس ماه رمضان را در حَضْر باشد باید روزه بگیرد و هرکس که بیمار یا در سَفَر باشد به جای آن، روزه‌های دیگری را روزه بگیرد که خداوند خواستار راحتی و آسانی برای شماست و نه سختی و دشواری، هدف این است که عده‌ی سی روز را تکمیل نمایید و خدا را به خاطر این که شما را هدایت کرد بزرگ بشمارید، شاید (بدین وسیله) سپاسگزار باشید.

گویا جمله «يُرِيدُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»: خداوند حکم آسان را برای شما می‌خواهد و نه تکلیف سخت را؛ به منزله علت استثنای حکم مریض و مسافران از روزه گرفتن و افطار آن دو در ماه رمضان و روزه گرفتن در روزهای دیگر سال است. (۲)

۲- «فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّتُمْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فِطْرًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكُمْ». (۳)
به مرحمت الهی با مردم نرم و مهربان شدی و اگر سخت دل (و تند خو) بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از ویژگی‌های برجسته و مزیت فوق‌العاده پیامبر گرامی در جذب مردم به اسلام، نرم‌خویی و مهربانی آن حضرت بوده است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۲- سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ آخوندی،

۳- آل عمران، آیه ۱۵۹.

سال ۱۳۹۴ ه. ق. ج ۲، ص ۲۲.

۳- «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا» (۱)

خداوند می خواهد بار شما را سبک کند، چون انسان ناتوان آفریده شده است.

جهت ناتوانی انسان این است که همواره با مشتبهات نفسانی و غرایز گوناگون درگیر است. (۲)

۴- «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (۳)

خداوند نمی خواهد شما را در تنگنایی قرار دهد (و تکلیف دشواری بر دوش شما بگذارد) بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید، باشد که سپاس بگذارید.

داخل شدن حرف «مِنْ» در «مِنْ حَرَجٍ» بر مفعول فعل «مَا يُرِيدُ» برای نفی تأکید است، بنابراین در میان احکام دینی، هیچ حکم حرجی خواسته نشده است و بدین منظور است که اساساً اراده جعل حکم حرجی نفی شده است و نه خود حرج. لازم به یادآوری است که حرج دوگونه است:

الف: حرجی که ملاک حکم و مصلحت مطلوب از آن حکم باشد که طبعاً اصل حکم نیز در این صورت ذاتاً حرجی صادر می شود، چون حکم، تابع ملاک است و فرض این است که ملاک حکم، حرجی می باشد، مانند این که فرضاً مربی می خواهد ملکه زهد و ترک لذت را در دل کسی که تحت تربیت اوست پدید آورد، استفاده از هرگونه غذای لذیذ را بر او ممنوع می سازد.

ب: اصل حکم ذاتاً حرجی نیست ولی بالعرض حرجی می شود، یعنی حرجی بودن به خاطر اسباب و علل اتفاقی است که از خارج بر آن حکم عارض می شود و در نتیجه بعضی از افراد آن حکم، حرجی می شود. در این صورت، حکم اولی در خصوص آن افراد حرجی، ساقط و در موارد غیر حرجی به اعتبار خود باقی

۲- المیزان، ج ۴، ص ۳۰۰.

۱- نساء آیه ۲۸.

۳- مائده، آیه ۶.

می باشد؛ مانند سقوط حکم و جوب قیام بر نمازگزاری که فرضاً پا درد یا کمردرد و... دارد، حکم و جوب قیام بر او ساقط می شود، چون حرجی است ولی در مورد نمازگزارانی که توان ایستادن در حال نماز را دارند، حکم و جوب قیام به اعتبار خود باقی است.

بر حسب جمله «وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ...» مراد از آیه کریمه نفی حرجی است که در ملاک حکم باشد، پس احکام الهی، حرجی نیستند و اساساً هیچ حکمی با هدف دشواری تشریح نشده است بلکه برای تطهیر و اتمام نعمت دین که ملاک احکام است تشریح شده و به خاطر همین است که هرگاه وضو و غسل، حرجی باشد (خواه آب نباشد یا تهیه آن و یا استفاده از آن برای مکلف، دشوار باشد) تکلیف وضو و غسل، برداشته می شود و به جای آن، حکم تیمم که در توان مکلف است واجب می شود؛ پس اصل حکم طهارت ساقط نمی شود، چون هدف اصلی از این حکم، همان گونه که گذشت، تطهیر و اتمام نعمت دین است. و فرق میان این دو غایت و نتیجه (تطهیر و اتمام نعمت) این است که تطهیر، نتیجه خصوص تشریح طهارتهای سه گانه، و اتمام نعمت، نتیجه تشریح و تبیین تمامی احکام دین است پس یکی از آن دو نتیجه، خاص و دیگری عام است.^(۱)

۵- «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»:^(۲)

(یکی از ویژگیهای پیامبرگرمی اسلام این است که) احکام پر رنج و سختی که همچون زنجیر برگردن خود نهاده اند بر می دارد.

۶- «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»:

خداوند هیچ تکلیف دشواری را در دین بر عهده شما قرار نداده است. هرگونه حرج و دشواری را برداشته است، اعم از این که دشواری در خود حکم باشد و یا دشواری که به خاطر اسباب و علل اتفاقی از خارج بر آن حکم عارض شود. پس شریعت اسلام، شریعت سهل و آسان و شریعت حضرت ابراهیم

حنیف است که تسلیم پروردگار خود بوده است»^(۱).

ب : روایات

روایات فراوانی است از شیعه و سنی، مبنی بر این که شریعت اسلام، دارای ویژگیهایی به شرح زیر است:

الف) اسلام آیین سهل و آسان

- ۱- پیامبرگرامی اسلام (ص) فرمود: «بَعَثَنِي بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»^(۲): خداوند، مرا بر آیین توحیدی سهل و آسان برانگیخت.
- ۲- «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ»^(۳) من بر آیین سهل و آسان مبعوث شده‌ام، و نیز فرمود:

۳- «اسْمُحُوا يُسْمَحْ لَكُمْ»^(۴) آسان بگیرید تا بر شما آسان گرفته شود.

۴- «إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ»^(۵) دین اسلام، آیین آسانی است.

- ۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵۲: (فهی شریعة سَهْلَةٌ سَمْحَةٌ مَلَّةٌ أَيْهِمُ إِبْرَاهِيمَ الْحَنِيفِ الَّذِي أَسْلَمَ لِرَبِّهِ).
- ۲- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی: تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیه، سال ۱۳۹۱ ه.ق. ج ۵، ص ۴۹۴.
- ۳- محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی: بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق. ج ۶۸، صص ۳۱۹ و ۳۴۶: (و عن النبی (ص) بُعِثْتُ إِلَيْكُمْ بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ الْبِيضَاءِ) و ج ۶۹ ص ۴۲: ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ۱۴۰۴ ه.ج. ۸ ص ۲۱۶ شماره ۷۸۶۸: (بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ): كُنْزُ الْعَمَالِ فِي سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَعْمَالِ، علاءالدین، علی متقی بن حسام الدین هندی معروف به متقی هندی: بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ه.ق. ج ۱، ص ۱۷۸ شماره ۹۰۰ و ص ۴۴۵ شماره ۳۲۰۹۵.
- ۴- كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ۶، ص ۳۴۳، شماره ۱۵۹۶۳ و ۱۵۹۶۴، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ابن اثیر جزیری: ماده (سمح) «اسْمُحْ يُسْمَحْ لَكَ» ای سَهِّلْ يُسَهَّلْ عَلَيْكَ.
- ۵- كُنْزُ الْعَمَالِ، ج ۳، ص ۳۵، شماره ۵۳۴۳: التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول (ص)، منصور

۵- «إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ الْيُسْرَ»: (۱) شما امتی هستيد که از شما آسانی خواسته شد.
 ۶- «يَسْرُوا وَلَا تُعْسِرُوا، وَيَسْرُوا وَلَا تُتَفَرَّوْا»: (۲) آسان بگيريد، سخت نگيريد،
 مژده دهيد، متنفر سازيد.

طبرانی می نویسد: هنگامی که آیه شریفه ۴۵ از سوره احزاب (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا) نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، علی بن ابی طالب و معاذ را خواست و مأموریت داد که به «یمن» بروند و فرمود: بروید و مژده دهید، متنفر مسازید، آسان بگيريد و سخت نگيريد، زیرا آیه ای بر من نازل شد که ای پیامبر ما تو را به پیامبری فرستادیم تا بر نیک و بد امت گواه باشی، مژده رسان بهشت، هشدار دهنده از دوزخ، دعوت کننده به توحید (و شهادت به لآ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و چراغ فروزان به قرآن باشی. (۳)

۷- حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَحَبَّ دِينِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَفِيَّةُ السَّمْحَةُ

علی ناصف: بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ه.ق. ج ۱، ص ۴۹.

۱- مسند الامام احمد بن حنبل (دوره شش جلدی)، بیروت، مکتب الاسلامی دار صادر، ۱۳۸۹، ج ۵ ص ۳۲؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۶۷۰، شماره ۸۴۱۴.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۳۷، شماره ۵۳۶۰؛ محمد (عبدالرؤف) مناوی: فیض القدير، شرح الجامع الصغير، چاپ مصر، ۱۳۵۷ ه.ق. ج ۶، ص ۴۶۱ شماره ۱۰۰۱۰ و نیز کنز العمال، ج ۳، ص ۲۹، شماره ۵۳۰۶: (أَدْعُوا النَّاسَ وَبَشِّرُوا وَلَا تُتَفَرَّوْا، وَيَسْرُوا وَلَا تُعْسِرُوا).

۳- المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۴۸، شماره ۱۸۴۱ از (عن ابن عباس، قال: لما نزلت «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» دعا النبي صلى الله عليه وسلم عليًا ومعاذًا، وقد كان أمرهم أن يخرجوا إلى اليمن فقال: انطلقوا وبشروا ولا تتفروا، وبشروا ولا تعسروا، فإنه قد أنزلت علي يا أيها النبي إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا عَلَيَّ أُمَّتِكَ وَمُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَنَذِيرًا مِنَ النَّارِ وَدَاعِيًا إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَسِرَاجًا مُنِيرًا بِالْقُرْآنِ»، صحيح البخاري، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بخاري: دار الفکر، ۱۴۰۱ ه.ق. ج ۵، ص ۱۰۸ و ج ۷ ص ۱۰۱، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بکر سيوطي: الدر المنثور في التفسير بالمأثور، چاپ تهران، ج ۵، ص ۲۰۶.

السَّهْلَةُ» (۱)

محبوبترین آیین الهی در پیشگاه خداوند، آیین توحیدی سهل و آسان است. ۸- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - شَرَايِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَاءَ وَالْفِطْرَةَ الْحَنْفِيَّةَ السَّمْحَةَ: (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال، شرایع (پیامبران اولوالعزم) نوح، ابراهیم، موسی و عیسی - علیهم السلام - را که توید، اخلاص، ترک بت پرستی، فطرت حنیف آسان است به پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) مرحمت نمود.

ب: مدارا و سازگاری با مردم

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَذَاءِ الْفَرَائِضِ»: (۳)

۱- ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی: من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۰۴ ه.ق. ج ۱، ص ۱۲ شماره ۱۶؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵ کتاب الامین (باب الدین یشتر) و قول النبی صلی الله علیه و سلم: «أَحَبُّ الدِّينِ إِلَى اللَّهِ الْحَنْفِيَّةُ»: كنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۸، شماره ۸۹۹: (أَحَبُّ الْأَدْيَانِ إِلَى اللَّهِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةُ). ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الأوسط، تحقیق دکتر محمود الطحان، الرياض، تحقیق دکتر محمود الطحان، المملكة العربية السعودية، ج ۸، ص ۱۷۲، شماره ۷۳۴۷: (إِنَّ أَحَبَّ الدِّينِ إِلَى اللَّهِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةُ).

۲- محمد بن یعقوب کلینی: الأصول من الكافي، ترجمه محمد باقر كمره‌ای، منشورات المكتبة الإسلامية، سال ۱۳۹۲ ه.ق. چاپ چهارم، ج ۳، ص ۳۰؛ كنز العمال، ج ۳، ص ۶۶۹، شماره ۸۱۴۲ و ص ۳۴ شماره ۵۳۴۱: (إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالْحَنْفِيَّةِ السَّمْحَةِ دِينَ إِبْرَاهِيمَ) ثم قرأ: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». ۳- الأصول من الكافي، ترجمه كمره‌ای، ج ۳، ص ۱۸۲؛ معروف به شیخ حر عاملی، وسائل الشيعة، تصحیح و تحقیق میرزا عبدالرحیم ربانی، تهران، مكتبة الإسلامية، ۱۳۸۶ ه.ق. ج ۸، ص ۵۴۰، شماره ۱۶۰۸۵، كنز العمال، ج ۳، ص ۴۰۷ شماره ۷۱۶۸: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ

امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: پروردگام مرا به مدارا و سازگاری با مردم فرمان داده است، همان گونه که به انجام واجبات فرمان داده است.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بُعِثْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ»: (۱) پیامبر

اکرم (ص) فرمود: من به سازگاری با مردم مبعوث شده‌ام.

۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ» (۲) وَأَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ»: (۳) سرچشمه خرد پس از ایمان به خدا، سازگاری با مردم است، نیکوکاران در دنیا، نیکوکاران در آخرت و بدکاران در دنیا، بدکاران در آخرت خواهند بود.

۴- حضرت علی علیه السلام فرمود: «ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ»: (۴) میوه خرد،

مدارا و سازگاری با مردم است.

۵- و نیز فرمود: «سَلَامَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ»: سلامتی دین و دنیا در

سازگاری با مردم است.

ج: نرمی و ملایمت

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قِفْلًا وَقِفْلُ الْإِيمَانِ الرَّفْقُ» امام

باقر علیه السلام فرمود: به راستی برای هر چیزی قفلی است و قفل ایمان، نرمی و ملایمت است (و نه سخت گیری)

همان گونه که علامه مجلسی (۵) در شرح این حدیث گفته است رِفْقٌ يَعْنِي

کَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ). ۱- همان، شماره ۷۱۶۹.

۲- محمد بن حسن خُرّ عاملی: وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، معروف به شیخ خُرّ عاملی

(دوره ۲۰ جلدی)، ج ۸، ص ۵۴۱. ۳- کنز العمال، ج ۳، صص ۴۰۷، شماره ۷۱۷۱.

۴- غرر الحکم، ترجمه محمد علی انصاری، ص ۳۶۰، حرف (ث).

۵- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)، مولی محمد باقر مجلسی، معروف به علامه مجلسی.

نرمی و مهربانی و ترک سخت‌گیری، خواه از مردم نسبت به او خلاف ادبی سر بزنند یا نه، قُفْل یعنی نگهبان، ایمان در این حدیث به گوهر نفیسی تشبیه شده است (تشبیه معقول به محسوس) که باید در نگه‌داری آن توجه شود، به گونه‌ای که گنجینه ایمان، دل، و قُفْل آن نرمی است که موجب نگه‌داری ایمان، و مانع خروج آن از گنجینه دل می‌شود تا دچار تباهی نگردد؛ زیرا شیطان، دزد ایمان است و با گشودن قُفْل بر اثر ترک نرمی، ایمان را خارج می‌سازد و در نتیجه، انسان را بر ارتکاب نارواییهایی از خشونت، دشنام، قهر و غضب و... بر می‌انگیزاند تا موجب نقص ایمان و یا احیاناً باعث زوال آن شود.

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَالًا يُعْطِي عَلَى الْعَنْفِ»^(۱)

امام باقر علیه‌السلام فرمود: خدای عزَّ و جَلَّ، مدارا کننده است و نرمی و ملاطفت را دوست دارد، پاداش و ثوابی که به نرمی و ملایمت می‌دهد به سخت‌گیری نمی‌دهد.

۳- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلُوا فِيهِ بِرْفِقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْتَبِتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى»^(۲)

امام باقر علیه‌السلام از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: محققاً دین اسلام، آیین دشواری است؛ پس با نرمی و ملاطفت در آن وارد شوید، و بندگی خدا را در نظر بندگان خدا ناپسند سازید (و به زور تحمیل می‌کند) تا چون سوارکار وامانده از کاروانی مانید که مرکب خود را بر اثر تندروی خسته کند و از قافله عقب مانده باشد که نه راه را پیموده و نه مرکبی سالم گذاشته است. همان‌گونه که در کتاب

دارالکتب الإسلامية، چاپ ۱۳۶۳ ش، کتاب الایمان و الکفر، باب الرفق، ج ۸، ص ۲۳۳.

۱- همان، ص ۱۸۵.

۲- همان، ص ۱۳۹؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۴۰، شماره‌های ۵۳۷۶ تا ۷۹ و ص ۳۶ شماره ۵۳۵۰ و ۵۳۵۱.

«سفینه البحار»^(۱) ماده (رفق) از قول مصلح الدین سعدی شیرازی، آمده است:
 «کارها به رفق و تأمل بر آید، و مستعجل به سر آید»

به چشم خویش دیدم در بیابان که آهسته سَبَقُ بُرد از شتابان
 سمند باد پای، از تک فروماند شتریان همچنان آهسته می راند.»^(۲)
 ۴- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
 سَلَّمَ - «الرِّفْقُ يُمِّنُ وَالْحَزَقُ سُؤْمٌ»:^(۳) نرمی فرخنده، و سخت گیری و کج خلقی
 شوم است.

۵- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفْقِ، أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ
 الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ مَنْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفْقِ حُرِمَ حَظَّهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»:^(۴)
 کسی که بهره ای از نرمی و خوش خوئی داشته باشد بهره مند از خیر دنیا و
 آخرت است و کسی که محروم از نرمی و خوش خوئی باشد، محروم از خیر دنیا و
 آخرت است.

۶- و نیز فرمود: «مَنْ رَفِقَ بِأُمَّتِي رَفِقَ اللَّهُ بِهِ وَ مَنْ شَقَّ عَلَى أُمَّتِي شَفَقَ اللَّهُ عَلَيْهِ»:^(۵)

۱- قمی، شیخ عباس: سفینه البحار، قمی: ماده (رفق).

۲- گلستان سعدی، باب هشتم.

۳- الأصول من الکافی، ترجمه کمره ای، ج ۳، ص ۱۸۵؛ ابن شعبه خزانی، ابو محمد حسن بن علی بن
 شعبه: تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح و ترجمه علی اکبر غفاری، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۲ ش،
 ص ۴۱۷، از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام کنز العمال، ج ۳، ص ۳۳، شماره ۵۳۲۷: (اَيْسُرُ يُمِّنُ
 وَالْعُسْرُ سُؤْمٌ).

۴- کنز العمال، ج ۳، ص ۴۵، شماره ۵۴۰۸ و صص ۳۸ و ۴۶ شماره ۵۳۶۸ و ۵۴۰۹؛ سفینه البحار، ماده (رفق).

۵- کنز العمال، ج ۳، ص ۴۶، شماره ۵۴۱۰.

مُسْنَدُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ (دوره ۶ جلدی)، ج ۶، ص ۶۲: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ
 مَنْ رَفِقَ بِأُمَّتِي فَأَرْفَقْ بِهِ، وَ مَنْ شَقَّ عَلَيْهِمْ فَشَقَّ عَلَيْهِ». پیامبر خدا (ص) فرمود: بار خدایا! هر که با امتم نرمی
 و ملامت نماید تو نیز با او نرمی نما، و هر که با آنان سخت بگیرد تو نیز بر او سخت گیر.

هر که به اتمم نرمی و ملاطفت نماید، خدا نیز به او لطف نماید و هر که بر آنان سخت گیرد، خدا نیز بر او سخت گیرد.

۷- پیامبر خدا(ص) فرمود: «الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لَّيِّنٌ سَمِيحٌ»^(۱) شخص مؤمن فروتن، نرمخو و آسان گیر است.

۸- و نیز فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفِيقَ فِي الْأَمْرِ كَلِّهِ»^(۲) خداوند در هر کاری، نرمی و ملایمت را دوست دارد.

از مجموع مطالب گذشته، روشن شد که در آموزشهای اسلامی درباره ساهله و آسانگیری، ساهله و جوانمردی، مدارا و نرمی، اکیداً سفارش شده و از آداب و فضایل اخلاقی اسلامی است تا جایی که عامل موفقیت پیامبر خدا(ص) در امر رسالت معرفی می شود.

آسانگیری در ابواب فقهی

با توجه به این که یکی از شرایط عامه تکلیف، توانایی مکلف بر انجام آن است و با توجه به قواعد فقهی مانند «قاعده نفی عسر و حرج»^(۳)، «قاعده میسور»^(۴)، «قاعده لا ضرر»^(۵)، «حدیث رفع»^(۶) و... که حاکم بر ادله اولیه می باشند،

۱- وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۵۱۱، کتاب الحج، باب ۱۰۶، از ابواب احکام العشرة، ح ۴، شماره مسلسل ۱۵۹۵۰.

۲- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب الرفق، ج ۷، صفحه ۸۰.

۳- مستند به آیاتی مانند آیه ۱۸۵ سوره بقره: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»، آیه ۲۸۶ بقره: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا».

آیه ۶ مائده: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ»، آیه ۷۸ حج: «مَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ». و روایات مستفیض. رک: سید میرزا حسن موسوی بجنوردی: القواعد الفقهية، چاپ نجف، ۱۳۸۹ ه. ق. ج ۲۰۹؛ ناصر مکارم شیرازی: القواعد الفقهية، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ دوم، سؤال ۱۴۱۰ ه. ق. ج ۱، ص ۱۶۳.

۴- برگرفته از روایتی مانند: حدیث پیامبر(ص): «إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»، حدیث امام

هرگاه حکمی موجب دشواری و مشقت برای مکلف باشد، برداشته می شود و یا تخفیف پیدا می کند و تبدیل به حکمی می شود که راحت و آسان باشد. موارد

علی علیه السلام: «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ» و نیز «مَالَا يُدْرِكُ كُفَّهُ لَا يُتْرَكُ كُفَّهُ» که شیخ انصاری در **فرائد الاصول**، چاپ کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۷۴ ه.ق. ص ۲۹۴، احادیث یاد شده را از کتاب **عوالی اللثالی** (ج ۴، ص ۵۸) نقل می کند و ضعف سند را با شهرت عملی اصحاب قابل جبران می داند. نیز رک: آخوند مولی محمد کاظم خراسانی: **کفایة الاصول**، (دوره دو جلدی) کتابفروشی علمیه اسلامیة، ج ۲، ص ۲۴۹. و نیز به کتابهایی که رشد قواعد فقهیه نوشته شده است.

مفاد «قاعده میسور» این است که هرگاه انجام تکلیفی به صورت کامل برای مکلف، دشوار باشد باید به مقداری که در توان اوست انجام گیرد، به گفته مولوی:

إِعْلَمُوا أَنَّ كُفَّهُ لَا يُتْرَكُ	إِنَّ شَيْبًا كُفَّهُ لَا يُدْرِكُ
کی توان کردن به ترک خورد آب	گرچه نتوان خورد طوفان سحاب
هم به قدر تشنگی باید چشید	آب دریا را اگر نتوان کشید

(**مثنوی معنوی**، جلال الدین محمد بلخی رومی، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، به خط سید حسن میرخانی آج ۵، ص ۴۲۲).

۵- **فرائد الاصول**، ص ۳۱۳؛ **کفایة الاصول**، ج ۲ ص ۲۶۵؛ **القواعد الفقهیة بجنوردی**، ج ۱، ص ۱۷۶؛ **القواعد الفقهیة مکارم شیرازی**، ج ۱، ص ۲۹ و دهها کتاب و رساله مستقل در باره «قاعده نفی ضرر» که مستند به روایاتی است که به حد استفاضه رسیده و حتی فخر المحققین ادعای تواتر نموده است؛ رک **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، ج ۲، ص ۴۸.

۶- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: الْخَطَاءُ، وَالنِّسْيَانُ، وَمَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يُطِيقُونَ، وَمَا أُضْطُرُّوا عَلَيْهِ، وَالْحَسَدُ، وَالطَّيْرَةُ، وَالتَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ يُنْطَلِقْ بِشَفَقَتِهِ»:

از ائمتّم (مواخذة یا آثار) نه چیز برداشته شده: اشتباه، فراموشی، آنچه به آن مجبور شده اند، آنچه نمی دانند (= نادانی)، آنچه توانش را ندارند (= عجز)، ناچاری، حسد، فال بدزدن، وسوسه در آفرینش و خالقیت خداوند و یا اندیشه وسوسه در مردم و بدبینی به آنان، مادامی که به زبان نیاورد. رک: **خصال شیخ صدوق**، ترجمه محمد باقر کمره ای، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۵ ه.ق. ج ۲، ص ۱۸۴؛ **من لا یحضره الفقیه**، ج ۱ ص ۵۹ حدیث ۱۳۲؛ **فرائد الاصول**، صص ۱۹۵ تا ۱۹۹؛ **کفایة الاصول**، ج ۲، ص ۱۶۸.

فراوانی از آن در ابواب فقهی آمده^(۱) که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف - باب طهارت یکی از مواردی که در تعالیم اسلامی آسان گرفته شد، مسأله طهارت در اشیاء مشکوک الطهاره است:^(۲) به گونه‌ای که «قاعده طهارت» از قواعد مسلم در نزد عالمان دینی است.^(۳) خواه آن را قاعده فقهی بدانیم، همان گونه که صاحب کفایة الاصول می‌گوید^(۴)، چون در تمام ابواب فقهی جاری نیست بلکه اختصاص به باب طهارت دارد و یا قاعده اصولی بدانیم همان طوری که صاحب مصباح الأصول^(۵) می‌گوید، چون میزان در اصولی بودن هر مسأله‌ای این است که نتیجه‌اش در طریق استنباط حکم فرعی قرار بگیرد و نه جریان در تمامی ابواب فقهی؛ وگرنه بسیاری از مباحث اصولی از علم اصول خارج می‌شود، مانند بحث دلالت نهی بر فساد در عبادت که به جز در باب عبادت جاری نیست.

به هر حال برابر «قاعده طهارت» که برگرفته از اخباری از قبیل موثقه عمار^{*} به

- ۱- ابو عبدالله محمد بن مکی عاملی: القواعد والفوائد، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، قم، منشورات مکتبه المفید، (دو جلدی) ج ۱، ص ۱۲۳ تا ۱۳۲.
- ۲- سید محمد کاظم طباطبایی یزدی: العروة الوثقی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ آخوندی، ۱۳۹۲ ه.ق. فصل النجاسات، الثانی عشر، مسأله ۲، ص ۲۵.
- ۳- شیخ یوسف بحرانی: الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم ۱۴۱۴ ه.ق. (اصل الحکم المذكور ممالا خلاف فيه ولا شبهة تعتریه):

کفایة الاصول، ج ۲ ص ۱۶۵؛ (انها ثابتة بلاکلام من دون حاجة إلى نقض و ابرام).

۴- همان، ج ۲، ص ۱۶۷.

۵- سید محمد سرور واعظ حسینی بهبودی: مصباح الاصول، (تقریر درس علامه سید ابوالقاسم

خوبی)، انتشارات کتابفروشی داوری، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ه.ق.، ج ۲، ص ۲۵۰.

* - «كُلُّ شَيْءٍ طَاهِرٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَدِرٌ». رک: مستدرک الوسائل (دوره سه جلدی)، ج ۱ ص ۱۶۴، و

(دوره ۱۹ جلدی تحقیق شده)، ج ۲ ص ۵۸۳، نقل از کتاب المقتنع، صدوق.

گفته شیخ اعظم انصاری در «فرائد الاصول»^(۱) است؛ اصل در هر چیزی که مشکوک الطهاره باشد، طهارت است مگر یقین به نجاست آن حاصل شود.

تیمم - به موجب آیات و روایات هرگاه برای «وضو» و «غسل» آب نباشد، یا مکلف به آن دسترسی نداشته باشد، یا تهیه آب، مشقت داشته باشد یا استفاده از آب برای او ضرر داشته باشد و یا به هر جهتی نتواند از آب استفاده کند، حکم وضو و غسل تخفیف پیدا می‌کند و «تیمم» جایگزین آن می‌گردد.^(۲)

مردی در سفر بود و بر اثر اصابت سنگی، سرش زخمی شد و با این حال، مُحْتَلَم شد و نیاز به غسل پیدا کرد، از همراهان خود پرسید: آیا می‌توانم تیمم کنم؟ گفتند: با وجود آب، جای تیمم نیست. پس به ناچار غسل کرد و بر اثر آن، از دنیا رفت.^(۳) پیامبر گرامی (ص) پس از شنیدن گزارش این ماجرا، فرمود: «قَتَلُوهُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ

۱- شیخ مرتضی بن محمد امین بن شمس الدین، معروف به شیخ انصاری: فرائد الاصول، کتابفروشی، مصطفوی، ۱۳۷۴ ه.ق. ص ۳۲۴.

۲- «وَأَنَّ كُنْتُمْ مَرُوضَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَسْتُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...» سورة نساء، آیه ۴۳ و مائده آیه ۶. نیز رک: الفروع من الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ ه.ق. ۱۳۵۰ ش، ج ۳، ص ۶۳ تا ۶۹۸.

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی: تهذیب الأحکام، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ آخوندی، ۱۳۹۰ ه.ق. ج ۱ ص ۱۸۳، باب التیمم.

وسائل الشیعه، کتاب الطهاره، باب ۲، ۳ و ۵ از ابواب تیمم، ج ۲ صص ۹۶۴ تا ۹۶۸؛ صحیح بخاری، کتاب التیمم، ج ۱، صص ۸۵ تا ۹۱.

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی: النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی، انتشارات محمدی، ص ۴۵.
ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، معروف به محقق حلی: شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق عبدالحسین محمد بقال، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ه.ق. ج ۱، صص ۲۸ و ۲۹، العروه الوثقی، ص ۱۵۴.

۳- التاج الجامع للأصول فی أحادیث الرسول، ج ۱، ص ۱۲۸.

إِنَّمَا كَانَ دَوَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ»^(۱): خدا همراهان او را بکشد (هشدار است به همراهان) که سبب مرگ او شدند، درمان درد نادانی پرسیدن است.

ب - نماز

مواردی از احکام تخفیفی و تسهیلی مربوط به نماز را یادآور می‌شود:

۱- **عدم وجوب قیام:** یکی از واجبات رکنی نماز، ایستادن نمازگزار در حال نیت کردن و گفتن تکبیرة الاحرام و... است، اما اگر توانایی ایستادن نداشت، می‌نشیند و چنانچه از نشستن نیز عاجز باشد به پهلو می‌خوابد و اگر از آن هم ناتوان باشد به پشت می‌خوابد و برای رکوع و سجود با سر اشاره می‌کند و چنانچه نتواند سرش را تکان دهد و با سر اشاره کند، چشمان خود را به قصد رکوع و سجود می‌بندد و در صورتی که از آن هم ناتوان بود، افعال نماز در دل خطور می‌دهد و اذکار را به زبان می‌آورد.^(۲)

۲- **جواز جمع میان دو نماز در سَفَر و حَضَر:** جمع میان دو نماز یعنی نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا، با هم خوانده شود، مثلاً نماز عصر، زودتر از وقت خاص خودش پس از نماز ظهر خوانده شود، یا نماز ظهر، دیرتر از وقت خاص خودش پیش از نماز عصر خوانده شود و جمع میان نماز مغرب و عشا نیز به

۱- الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲، صص ۹۶۷ و ۹۶۸.

۲- رک: همان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی: من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تاریخ، ج ۱، ص ۳۶۱؛ تهذیب الاحکام، باب صلاة المضطر، صص ۳۰۲ و ۱۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۸۹ ابواب القیام، ح ۱۸، و کتابهای فقهی: النهایة، ص ۱۲۸، الخلاف، ج ۳، ص ۴۲۰ کتاب الصلاة، م ۱۶۷، شرائع الاسلام ج ۱ ص ۷۰؛ تذکرة الفقها، ج ۳، ص ۹۱ مسأله ۱۹۱ به بعد، و...

صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۰؛ التاج، ج ۱، ص ۲۰۱ نقل از صحاح خمسة (بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی)، عبدالرحمن جزیری: الفقه علی المذاهب الاربعه، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم ۱۴۰۶ ه. ق. ج ۱، ص ۴۹۷.

همین صورت.

اما جمر میان دو نماز در حال سفر، به اتفاق شیعه و سنی جایز است و برای اطلاع از مآخذ و منابع طرفین به پی نوشتها مراجعه شود.^(۱)

در «غایة المأمول» آمده است: «تسهیلاً علیه کالقصر، بل اولی»: جهت جواز جمع میان دو نماز در حال سفر، برای تسهیل و راحتی نماز گزار مسافر است، همچون قصر نماز مسافر بلکه جواز جمع دو نماز در حال سفر از قصر است، زیرا وقتی که نماز چهار مسافر، برای راحتی او به دو رکعت تقلیل می یابد پس جمع میان دو نماز به طریق اولی جایز است.^(۲)

همانگونه که در «الفقه علی المذاهب الاربعه» آمده، باین که برای هر یک از نمازهای روزانه، وقت خاصی است «ولکن الذین الاسلامی دین یسیر»: ولی دین اسلام، آیین آسان و راحتی است که اجازه می دهد نمازی در غیر وقت خاص خودش خوانده شود^(۳) و حتی در برخی از شرایط، جمع میان دو نماز، مستحب و بلکه واجب می باشد.^(۴)

اما جمع میان دو نماز در حضر، در کتابهای روایی اهل تشیع، و صحاح اهل تسنن، دهها حدیث وارد شده که پیامبر اکرم (ص)، نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا را در حال اقامت در مدینه منوره، بدون این که خوف و عذری در بین باشد با هم می خواند تا اُمت اسلامی دو وسعت^(۵) و راحت باشند و دچار زحمت و مشقت^(۶)

۱- الفروع من الکافی، ج ۳، ص ۴۳۱، کتاب الصلاة، ابواب السفر. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۴۳ باب

المواقیت؛ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۵۹ باب ۳۱ از ابواب المواقی،

صحیح بخاری، ج ۲ صص ۳۸ و ۳۹، صحیح مسلم، ج ۵ صص ۲۱۲، التاج، ج ۱، ص ۲۹۷، الفقه

علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۴۸۳. ۲- رک: التاج، ج ۱، ص ۲۹۸ (پاورقی).

۳- الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۴۸۳.

۴- همان، ج ۱، ص ۴۸۶.

۵- امام احمد بن حنبل: المسند، شرح احمد محمد شاکر، دارالمعارف بمصر، ۱۳۷۵ ه.ق. ج ۳ ص ۲۹۲

حدیث شماره ۱۹۵۳: حدثنا یحیی عن شعبه ثقاته قال: سمعت جابر بن زید عن ابن عباس قال: «جمَع

نگردند. اینک برای توجه بیشتر، برخی از روایات شیعه و سنی را از باب نمونه یادآور می‌شود:

در کتاب «کافی»^(۷)، «استبصار»^(۸) و «تهذیب»^(۹) از امام صادق علیه‌السلام، روایت شده که فرمود: پیامبر خدا (ص) بدون جهت خاصی، (مانند مسافرت، بارش

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ، قَبْلَ لَيْلِ بْنِ عَبَّاسٍ: وَمَا أَرَادَ إِلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ.

المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۹۵ رقم حدیث ۷۱۹۱: عن ابن عباس قال: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ، وَهُوَ مُقِيمٌ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ إِنَّمَا أَرَادَ بِذَلِكَ السَّعَةَ لِأُمَّتِهِ».

احمد بن حنبل، **المسند**، ج ۵، سال ۱۳۷۰ هـ. ق. ص ۸۱، حدیث ۳۲۳۵: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي غَيْرِ مَطَرٍ وَلَا سَفَرٍ، قَالُوا: يَا أَبَا عَبَّاسٍ! مَا أَرَادَ بِذَلِكَ؟ قَالَ: التَّوَسُّعَ عَلَى أُمَّتِهِ».

۶- امام احمد بن حنبل: **المسند**، شرح احمد محمد شاکر، دارالمعارف بمصر، ۱۳۷۵ هـ. ق. ج ۳ ص ۲۹۲ حدیث شماره ۱۹۵۳: حدثنا يحيى عن شعبة ثنا قتادة قال: سمعت جابر بن زيد عن ابن عباس قال: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ، قَبْلَ لَيْلِ بْنِ عَبَّاسٍ: وَمَا أَرَادَ إِلَى ذَلِكَ؟ قَالَ: أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أُمَّتَهُ».

المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۹۵ رقم حدیث ۷۱۹۱: عن ابن عباس قال: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ، وَهُوَ مُقِيمٌ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا سَفَرٍ إِنَّمَا أَرَادَ بِذَلِكَ السَّعَةَ لِأُمَّتِهِ».

احمد بن حنبل، **المسند**، ج ۵، سال ۱۳۷۰ هـ. ق. ص ۸۱، حدیث ۳۲۳۵: «جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي غَيْرِ مَطَرٍ وَلَا سَفَرٍ، قَالُوا: يَا أَبَا عَبَّاسٍ! مَا أَرَادَ بِذَلِكَ؟ قَالَ: التَّوَسُّعَ عَلَى أُمَّتِهِ».

۷- **الفروع من الكافي**، ج ۳، ص ۲۸۶.

۸- ابو جعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی: **الاستبصار** تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۷۱، شماره ۹۸۱.

۹- **تهذیب الأحکام**، ج ۲، ص ۲۶۳، شماره ۱۰۴۶.

باران ترس و هر عذر دیگری) نماز ظهر و عصر را با هم هنگام زوال ظهر، و نماز مغرب و عشا را با هم پیش از زوال شفق مغربیه، با مردم به جماعت خواندند تا امت اسلامی از نظر زمان در وسعت و راحت باشند.

در «وسائل الشیعة» باب ۳۲ از ابواب المواقیت کتاب صلاة (باب جواز جمع میان دو نماز بدون عذر) یازده حدیث را یادآور می‌شود که در برخی از آن احادیث علت جمع میان دو نماز، در وسعت قراردادن امت اسلامی، تخفیف حکم و نفی حرج از امت ذکر شده است.^(۱)

اما در کتابهای روایی اهل تسنن نیز روایات فراوانی درباره جواز جمع میان دو نماز در حَضَر رسیده که از باب نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در «صحیح بخاری»^(۲) از ابن عباس روایت می‌کند: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بِالْمَدِينَةِ سَبْعًا وَثَمَانِيًا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ».

در «صحیح مُسلم»^(۳) و «سُنَن نسائی»^(۴) علت جواز جمع میان دو نماز را بدون عذر ترس و باران، توسط پیامبر خدا(ص) در مدینه منوره، نفی حرج و مشقت از امت اسلامی، ذکر می‌شود. در «مسند احمد بن حنبل»^(۵) تنها از ابن

۱- همان، ج ۳، ص ۱۶۰. ۲- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳- صحیح مسلم بشرح النَّوَوِيِّ، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ اول ۱۳۴۷ ه.ق. ج ۵ صص ۲۱ تا ۲۱۷؛ شش حدیث در همین رابطه ذکر می‌کند. از جمله در ص ۲۱۵: عن سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ: لِمَ فَعَلَ ذَلِكَ؟ قَالَ: كَيْ لَا يُخْرَجَ أُمَّتُهُ».

۴- سُنَن النَّسَائِيِّ، بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي، بيروت، دار احیاء التراث العربی، کتاب الصلاة، ص ۲۰.

۵- همان، ج ۳، سال ۱۳۷۵ ه.ق. ص ۲۶۵، شماره ۱۸۷۴، ص ۲۸۰ شماره ۱۹۱۸، ص ۲۸۳ شماره ۱۹۲۹، ص ۲۹۲ شماره ۱۹۵۳.

ج ۴، ص ۷۰ شماره ۲۲۶۹، ص ۱۵۴ شماره ۲۴۶۵، ص ۱۸۳ شماره ۲۵۳۴، ص ۱۹۲ شماره ۲۵۵۷،

ص ۲۰۱ شماره ۲۵۸۲.

عباس، پانزده روایت نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا را با هم خواند تا امت اسلامی در وسعت و راحتی باشند و دچار زحمت و مشقت نشوند.

«طبرانی» نیز نقل می‌کند که انگیزه جمع میان دو نماز توسط پیامبر خدا(ص) با در وسعت قرار دادن نماز گزاران است.^(۱)

در کتاب «التاج الجامع للأصول فی احادیث الرسول (ص)»^(۲) پس از نقل روایت ابن عباس، از صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن ترمذی و سنن نسائی، و این که علت جمع میان دو نماز بدون عذری از سفر، ترس و باران و در شرح عبارت روایت: «أَرَادَ الْأُمَّةَ» نوشته است: خواست پیامبر خدا(ص) این بود که امت اسلامی، دچار تنگنا و مشقت و زحمت نگردند بلکه در وسعت و راحتی دینی باشند.^(۳)

۳- قَصْر نماز مسافر نمازهای چهار رکعتی مسافر، به دو رکعت، تقلیل می‌یابند، خداوند متعال می‌فرماید: زمانی که در سفر باشید گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه نمایید، اگر بترسید که کافران شما را به بلا اندازند، چون کافران، دشمن آشکار شما هستند.^(۴)

در روایات شیعه و سنی، آمده که قصر نماز مسافر، هدیه، رحمت، لطف و تخفیف الهی است که به نماز گزار مسافر، کرامت شده و روشن است که مقتضای

ج ۵، سال ۱۳۷۰ ه. ق. ص ۸۱ شماره ۳۲۳۵، ص ۹۲ شماره ۳۲۶۵، ص ۱۰۰، شماره ۳۲۹۳، ص

۱۱۳، شماره ۳۳۲۳، ص ۱۳۴ شماره ۳۳۹۷، ص ۱۵۶، شماره ۳۴۶۷.

۱- المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۹۵ شماره ۷۱۹۱.

۲- التاج الجامع... ج ۱، ص ۱۴۸.

۳- غایة المأمول، شر التاج الجامع للأصول، پاورقی، ص ۱۴۸، ج ۱، التاج...

۴- سوره نساء، آیه ۱۰۱؛ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا.

ادب و معرفت، پذیرش احسان، با قصر نماز در سفر است و نه رد احسان.^(۱)
 ۴- قصر نماز خوف به موجب آیه ۱۰۳ سوره نساء و روایات^(۲) نماز خوف،
 از نظر کمیّت و کیفیت، تغییر می‌کند.

ج - روزه

نمونه‌هایی از احکام تسهیلی و تخفیفی روزه:

۱- سقوط روزه در سفر

به موجب آیه ۱۰۴ سوره بقره و نیز آیه ۱۰۵ که در آغاز مقاله، توضیحاتی
 پیرامون آن داده شد، برای راحتی و آسانی مسافر و نخی مشقت و دشواری، حکم

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۵۴ حدیث ۱۳۱۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابوجعفر محمد
 بن علی بن حسین قمی، معروف به شیخ صدوق: ترجمه علی اکبر غفاری، نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش، ج ۲،
 ص ۲۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴۰ حدیث ۱۱۳۴۰: «فَخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْعَبْدِ، لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَ
 تَعْبِهِ وَنَصِيهِ وَأَشْتِغَالِهِ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَطَعْنِهِ وَإِقَامَتِهِ لِأَنَّهُ يَسْتَعِزُّ عَمَّا لَابَدٌ مِنْهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
 وَتَعَطُّفًا عَلَيْهِ»؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴۰، حدیث ۱۱ باب ۲۲ از ابواب صلاة مسافر: «قال رسول الله
 (ص): إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيَّ وَإِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً... كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا. قَالُوا: وَمَا ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْإِفْطَارُ فِي
 السَّفَرِ، وَالْتَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَدِيَّتَهُ». و نیز، ص ۵۳۹ حدیث
 ۱۱۳۳۵.

التاج الجامع للأصول، ج ۱، ص ۲۹۵، الفصل الثاني فرصة المسافر... قال (ص): «صَدَقَةٌ تَصَدَّقَ اللَّهُ
 بِهَا عَلَيْكُمْ فَأَقْبَلُوا صَدَقَتَهُ». و در صحیح مسلم، سنن ابوداود، ترمذی و نسائی، نیز حدیث مزبور، روایت
 شده است.

الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۷۲.

۲- الفروع من الكافي، ج ۳، ص ۴۵۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۶۰ حدیث ۱۳۳۴، به بعد
 تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۷۱ ح ۳۷۹ به بعد و ص ۲۹۹ ح ۹۱۰ به بعد با وسائل الشیعه، ج ۵ ص
 ۴۷۸، التاج الجامع للأصول، ج ۱، ص ۲۹۲.

روزه گرفتن از شخص مسافر برداشته شد و به جای آن باید در روزهای دیگر سال که مسافر نیست، روزه بگیرد.

در روایات، افطار روزه در سَفَر، همانند قَصْر نماز در حال سَفَر عطیه و احسان الهی معرفی شده که مقتضای ادب و معرفت، پذیرش هدیه است و ردّ احسان با گرفتن روزه در حال سَفَر، دور از ادب و معرفت است. از باب نمونه به روایت زیر توجه شود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ تَصَدَّقَ عَلَى مَرَضِي أُمَّتِي وَمُسَافِرِيهَا بِالتَّقْصِيرِ وَالْإِفْطَارِ؛ أَيْسُرُ أَحَدِكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ؟

۲- سقوط روزه در حال بیماری

آنچه درباره سقوط روزه در حال مسافرت گفته شد، عیناً درباره سقوط روزه در حال بیماری که روزه گرفتن ضرر داشته باشد^(۱) نیز صادق است و نیاز به توضیح نیست.

۳- عدم وجوب روزه بر سالمندان و ذوالعطاش*

سالمندان و کسی که بیماری تشنگی دارد و توانایی گرفتن روزه را ندارند و یا بر اثر روزه دچار مشقت و سختی می‌شوند، روزه بر آنان واجب نیست، زیرا به موجب عموم آیاتی^(۲) که حکم دشوار، حَرَجِي و تکلیفی که بیش از توان مکلف باشد برداشته شده است و نیز بر اساس روایاتی که دلالت بر نفی ضرر و نفی عسر و حرج دارند و این که اسلام، آیین آسان و راحت است و نیز به مقتضای روایاتی در خصوص گروه‌های یاد شده^(۳)، روزه از آنان ساقط است.

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۱۲ ص ۱۳۳ حدیث ۱۹۴۶ روایت حریر از امام صادق علیه‌السلام: كَلَّمَا أُضِرَّ بِهَالصَّوْمِ فَلَا إِفْطَارَ لَهُ وَاجِبٌ.

*- یعنی کسی که بیماری تشنگی دارد (شاید مراد از آن، کسی باشد که بیماری قند دارد و زیاد تشنه می‌شود).

۲ به ترتیب، آیه ۱۸۵ بقره، ۶ مائده و ۷۸ حج، ۲۸۶ بقره.

۳- الفروع من الكافي، ج ۴ ص ۱۱۶؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲ ص ۱۳۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۴ ص ۴ ←

۴- واجب نبودن روزه

برزنی که نزدیک زاییدن اوست و نیز زنی که بچه شیر می دهد و روزه برای او و یا برای بچه اش ضرر دارد.^(۱)

این بود نمونه‌هایی از مساهله و آسان‌گیری تعالیم اسلامی در برخی از ابواب فقهی. بدیهی است که موارد فراوانی از احکام تخفیفی و تسهیلی تعالیم عالیۀ اسلام در سایر ابواب فقهی وجود دارد که خارج از حدّ مقاله است.

نکته قابل توجه

همان‌گونه که در آغازین مقاله گفته شد، مسامحه و مساهله، هنگامی پسندیده و مورد سفارش و تأکید اسلام است که مصلحت و سعادت حقیقی جامعه به خطر نیفتد، و لذا مواردی در شریعت اسلام است که قابل مسامحه و مساهله نیست.

۲۳۸. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۰۳؛ التاج الجامع... ج ۲، ص ۷۶ و نیز رک: کتابهای فقی، النهایه، ص ۱۵۹.
 شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۱؛ جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۴۴.
 ۱- الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۲۳۹؛ التاج الجامع للأصول، ج ۲، ص ۷۶ و نیز کتابهای فقهی مانند:
 النهایه، ص ۱۵۹، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۱، مولی احمد بن ممد مهدی نراقی: مستندالشیعه فی احکام الشریعه، تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۵۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۷۳.